

تکیه بر باد

خاتمی امروز تاوان اشتباهاتش در بکار گماری وزرا و معاونین تحمیلی و سفارش شده از جانب عالیجناب سرخ پوش را می دهد. تصور کنید که کارگزاران تا دیروز پست های حساس مملکت را در اختیار نداشتند. تصور کنید معاون اجرایی رئیس جمهور فردی بنام محمد هاشمی رفسنجانی نبود و رئیس سازمان برنامه و بودجه نجفی (و تیم تعدیلی شان نیلی طیبیان. روغنی زنجانی و...) نبود و رئیس مدام العمر بانک مرکزی نوربخش نبود. و مهاجرانی وزیر سخنگو و... دولت نبود و کرباسچی شهردار و... نبود و هاشمی ها.... سکاندار نبودند و جهانگیری وزیر نبود و همتی در بیمه مرکزی نبود و..... به راستی پست های حساسی که به آقایان کارگزارانی هدیه شده بود را باید به چه کسی می دادند؟

محمد هاشمی را می شناسید همان دردانه برادر که این روزها از زبان پدر معنوی حزب (ببخشید از زبان برادر) سخن می گوید و شاهکار این کارگزارانی تمام عیار که اصولگرا هم هست و مورد توجه طیف مطبوعات راست مدرن و سنتی هم هست را در انتخابات مجلس چهارم زمانی که در صدا و سیما حکومت می کرد دیدید و دیدیم که در پناه شانناژ رسانه ای گفته شد مخالف هاشمی مخالف رهبر است مخالف رهبری دشمن پیغمبر است و جناح چپ به حاشیه رانده شد تا تعدیل اقتصادی با زور هاشمی به صورت غیر رسمی حتی بدون تصویب مجلس و به صورت سری در جمع محدودی از دولت مطرح و به اجرا درآمد و جالب اینکه از اعضای دولت فقط ۱۰ نفر در جریان قرار گرفتند.

محمد هاشمی معاون اجرایی خاتمی بود تا چند ماه پیش و این عضو فعال کارگزاران که از دلایل اصلی افشای هویت برادر در انتخابات مجلس و عدم راهیابی وی به مجلس سخنان وی بود، روزی که وی مسئولیت معاون اجرایی را ترک گفت پوشه هایی از نامه های سربرگ وامضادار به تاریخ دوران تصدی خود را با متن سفید با خود برد تا از تسهیلات اعتباری در اختیار رئیس جمهور استفاده کند. این نامه ها به شرکت ها و سازمان های خدماتی، صنعتی و بانکی ارسال می گردید تا هواداران و هم خطی ها به نوایی برسند.

طمع به قدرت در آینده و هراس از جدی بودن کنار گذاشتن اینها به گونه ای کارگزاران را به تکاپو واداشته که بسان جن از بسم اله ازاردوی اصلاح طلبان می گریزند تا مبدا به اتهام همراهی با اصلاح طلبان از گردونه قدرت در آینده بی نصیب بمانند. هراس آنقدر فراگیر شده که همشهری که تاکنون حرفه ای و غیر جناحی معرفی می شد وارد گود شده و با تحریک عناصری از همین طیف علمدار جنجال علیه دولت آنهم در پوشش مخالفت با رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی شده است.

پشت صحنه این جریان از اینقرار است که آنها از دست دادن مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه را آخرین سنگر استراتژیک خود می دانستند که از دستشان رفته است. لذا در گزارش های خبری جنجال به نقد شخصیت رئیس سازمان پرداخته و با روشی بسیار سخیف و ناشیانه مثلا خواسته بودند ایشان را به استعفا وادار سازند که با تکذیب های ایشان انصاف حکم می کرد که آنرا منعکس سازند ولی تاکنون ذکری از تکذیبیه در نشریه حرفه ای همشهری نرفته است.

چندی پیش وزرا و مسئولین مشارکتی در نامه ای محرمانه، صریح و انتقادی به رهبری، عملکرد مجمع تشخیص مصلحت را به نقد گرفته بودند و از تشکیل مجلس جدید و بی خاصیت شدن مجلس منتخب مردم و به حاشیه راندن آن انتقاد کرده بودند ولی هیچیک از فرصت طلب های کارگزارانی این نامه مهم را امضا نکردند و بر طبق روال معمول در زمان لزوم فرار را بر قرار ترجیح می دهند که نکنند پدر خوانده ناراحت شوند.

به راستی کارگزاران که باعث ضربه خوردن شدید دولت در بحث شهرداری تهران و مسائل اقتصادی شدند چه وقت می خواهند دست از سر دولت بردارند. همه اخراجیهای دولت و استانداران و نمایندگان مجلس که مورد پسند مردم واقع نشدند را در مجمع تشخیص مصلحت هاشمی جمع کرده اند خوب شما هم به جمع آنان پیوندید خدا بزرگ است. شاید شما هم به نوایی رسیدید.

ولی یک نکته باقی می ماند و آن اینکه تکیه به کارگزاران مثل تکیه بر باد است که خاتمی یک بار آن را تجربه کرد و تا کنون تاوان آن را پس می دهد لذا باید هشیار باشد و مسئول بانک مرکزی را هم تغییر دهد تا ببینیم چه مشکلی پیش می آید به نظرم به تجربه کردنش می ارزد.